

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

مضامین رومانتیسم در آثار ابراهیم ناجی

استاد راهنما:

دکتر عبدالاحد غیبی

استاد مشاور:

دکتر مهین حاجی زاده

پژوهشگر:

رباب پورمحمود

آذر ۱۳۸۹

تبریز / ایران

تقدیم:

تقدیم به امید زندگی

پدرم

که با اہت نگاہش خاک گرفتہ ام و بخطہ خطہ ی عمرم از
مہرش زیباست و از عشقش سرشار...
و مادرم

کہ آئینہ عشق آسمانی ست و خورشید ستارگان زمینی...
و ہموارہ تایسگر محبتتان خواہم بود.

ماه من، غم و اندوه اگر هم روزی، مثل باران بارید
یادل شیشه ای ات، از لب پنجره ی عشق زمین خورد و شکست با نگاهت به خدا،
چتر شادی واکن و بگو بادل خود:
که خدا هست هنوز...

باسپاس فراوان از

استاد ارجمندی فرزانه واسوه ی صداقت و دانایی ام، جناب آقای دکتر عبدالاحد غیبی،
استاد مشاور کرامت قدرم سرکار خانم دکتر مبین حاجی زاده و همه ی اساتید گروه زبان و ادبیات عربی
همچنین تمام عزیزانی که در تهیه و تنظیم این اثر بنده را یاری رسانند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۰	چکیده.....
۱	مقدمه.....
	<u>فصل اول: مفاهیم و کلیات</u>
۵-۱-۱	اصطلاح و تعریف.....
۱۴-۲-۱	پیدایش و رشد مکتب رومانتیسم در غرب.....
۱۴-۳-۱	اوضاع اجتماعی و اقتصادی دوران رومانتیسم.....
۱۵-۴-۱	مضامین رومانتیسم غرب.....
۱۵-۱-۴-۱	طبیعت.....
۱۸-۲-۴-۱	دین.....
۱۹-۳-۴-۱	عشق.....
۲۱-۴-۴-۱	خیال.....
۲۲-۵-۴-۱	خود(ذاتگرایی).....
۲۳-۶-۴-۱	احساس غربت و همدردی با محرومین.....
۲۴-۵-۱	پیشینه‌ی رومانتیسم در ادبیات عرب.....
۲۶-۶-۱	پیدایش و رشد مکتب رومانتیسم در ادبیات عرب.....
۳۰-۷-۱	عوامل ظهور رومانتیسم در ادبیات معاصر عرب.....
۳۴-۸-۱	پیشوایان رومانتیسم در ادبیات عرب.....
۳۴-۱-۸-۱	ادبیات مهجر.....
۳۷-۲-۸-۱	جماعت دیوان.....
۳۹-۳-۸-۱	انجمن آپولو.....
۴۲-۹-۱	عناصر و مضامین رومانتیسم در شعر معاصر عربی.....
۴۳-۱-۹-۱	عشق.....
۴۵-۲-۹-۱	طبیعت.....
۴۸-۳-۹-۱	حنین و احساس غربت.....
۵۰-۴-۹-۱	دین.....
۵۱-۵-۹-۱	خیال.....
-۶-۹-۱	
۵۲	انقلاب.....
	<u>فصل دوم: زندگینامه ابراهیم ناجی</u>
۵۴-۱-۲	اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مصر.....
۵۷-۲-۲	تولد شاعر.....

۵۹	۳-۲- ابراهیم ناجی و حرفه‌ی پزشکی
۶۱	۴-۲- ابراهیم ناجی و انجمن آپولو
۶۳	۵-۲- آراء ناقدان درباره‌ی ابراهیم ناجی
۶۸	۶-۲- آثار ابراهیم ناجی
۷۰	۷-۲- ویژگی‌های شعری ابراهیم ناجی
۷۵	۸-۲- وفات شاعر
<u>فصل سوم: مضامین رومانتیسم در آثار ابراهیم ناجی</u>	
۷۹	۱-۳- مضامین رومانتیسم در آثار ابراهیم ناجی
۸۲	۳-۱-۱- عشق
۱۰۴	۳-۱-۲- طبیعت
۱۱۶	۳-۱-۳- احساس غربت
۱۲۳	۳-۱-۴- خیال
۱۳۳	۳-۱-۵- دین
۱۳۹	۳-۱-۶- شعر اجتماعی
۱۴۸	۳-۱-۷- حنین و اشتیاق
۱۶۵	نتیجه‌گیری
۱۶۹	فهرست منابع

چکیده:

تاریخ هنر و ادب اروپا در دهه‌های بیستم و سی‌ام قرن نوزدهم شاهد ظهور مکتب ادبی دیگری با عنوان مکتب رومانتیسم شد. این مکتب نوظهور اروپایی، به سرعت ادبیات ملل دیگر جهان را تحت تأثیر خود قرار داد. جهان ادبیات عربی نیز در پی گسترش ارتباطات با غرب، در دهه‌های آغازین قرن بیستم میزبان نحله‌ی فکری و ادبی رومانتیسم قرار گرفت. به تبع آن، شاعران و نویسندگانی که خواهان تجدد و نوآوری در بنیان ادبیات عربی بودند، عرصه را مساعد یافته و جهت تحول اساسی در ادبیات قلم زدند. ابراهیم ناجی از جمله شاعران این مکتب بود که در کنار دیگر هم‌مسلمانان خود سعی داشت اندیشه‌های رمانتیکی را در ادبیات عربی بارور سازد. مضامین و مفاهیم بلند رومانتیسم به اشکال مختلف در شعر ناجی تجلی پیدا کرده است و عشق به عنوان یکی از مهم‌ترین مضامین رمانتیکی سردفتر آثار ادبی اوست؛ ناجی قصیده‌ی عشق است، آن را به مرز معنویت نزدیک می‌سازد و از طریق آن به معبود ازلی اتصال می‌یابد. ناجی در عالم هستی بسان انسان غربی است که چیزی جز دیدار محبوب نمی‌تواند این حس غربت را از روح ناآرام او بزدايد. اما در کنار این مضامین، طبیعت نیز پناهگاه خستگی‌های شاعر است، آن را با عشق پیوند می‌دهد و در دامانش تسلی می‌یابد. همچنین شاعر از ظلم موجود در جامعه و عقب‌ماندگی مردمش رنج می‌برد و ندای آزادی و حریت سر می‌دهد. او در بیشتر این موارد به شیوه‌ای زیبا و هنری، عاطفه و خیال رمانتیکی را نیز در اشعار خویش حاکم می‌سازد.

واژگان کلیدی: ابراهیم ناجی، رومانتیسم، عشق، غربت، طبیعت

مقدمه

ادبیات جهانی در طول تاریخ خود، همپای تحولات اجتماعی-سیاسی جوامع همواره دستخوش تغییرات و پیشرفت های چشمگیری بوده است و آثار نویسندگان و شاعران هر عصری به روشنی بازتابی از آن هستند. از جمله این تحولات در ساختار و بنیان ادبیات جهانی، جنبش عظیم رومانتیسم می باشد که در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم به وقوع پیوست، انقلابی در تمام سطوح زندگی انسان آن عصر که تأثیرات عمده‌ی آن را در هنر و ادبیات شاهد هستیم.

حاکمیت عقل و خرد دوران کلاسیسم امکان هرگونه تجدد و گشایش افق های برتر فکر و اندیشه را به روی ادیب بسته بود. به طوری که تا چشم باز کرد چیزی جز تقلید، کهنگی و نظمی ملال آور ندید. همین امر، او را به قیام علیه قدیم در جهت فروپاشی نظم کهن موجود تشویق نمود. طولی نکشید که زمزمه‌های این شورش به شرق و جهان عرب نیز رسید و در اذهان نسل جدید ریشه دوانید. مصر نقطه عطف این تحولات بود. بسیاری از شاعران و نویسندگان عرب در قالب انجمن‌ها و گروه‌های ادبی به فعالیت‌های مستمر و دامنه‌داری در جهت نشر تفکرات و مفاهیم رومانتیسم دست زدند. از جمله آن‌ها دکتر «ابراهیم ناجی» شاعر مصری است که یکی از نوگرایان مشهور معاصر عرب می‌باشد که به خوبی توانسته است در آثار خود بین مفاهیم رمانتیک و کلاسیک پیوندی ناگسستنی ایجاد کند.

اشعار ناجی تمثال گویایی از مضامین رمانتیک می باشد که در این پایان نامه سعی بر آن شده است که با بررسی دیوان شاعر که مشتمل بر چهار دفتر شعری با عناوین «وراء الغمام»، «لیالی القاهرة»، «طائر الجریح» و «فی معبد اللیل» می‌باشد، مضامین مذکور استخراج و تحلیل گردد.

پژوهش حاضر با عنوان «مضامین رومانتیسم در آثار ابراهیم ناجی» تلاش نموده است از رهگذر بررسی اشعار ناجی که بخش اعظم آثار وی را تشکیل می دهد، مضامین برجسته‌ی مشترک بین رمانتیسم غرب و عرب را در آن‌ها شناسایی و مورد بحث و تحلیل دقیق قرار دهد.

برای نیل به هدف مذکور لازم است ابتدا به اجمال سیر رومانتیسم در غرب و جهان عرب، همراه با تعریف، عوامل پیدایش، رشد این مکتب، انواع مکاتب مربوط به آن و همچنین مضامین و مفاهیم این جریان فکری نو ظهور همچون عشق، طبیعت، غربت، خیال، انقلاب، خیزش اجتماعی و دین بررسی شود تا خواننده با آگاهی از سیر تحولات شعر و ادب در این دوره بتواند میزان و چگونگی تأثیر مفاهیم این مکتب را در آثار شاعر دریابد. البته لازم به ذکر است که در این بررسی، اوضاع اجتماعی - سیاسی و اقتصادی این دوره و تأثیر آن بر روند رشد رومانتیسم نمی‌تواند از نظر دور بماند.

عناوین مذکور، موضوعات بخش نخست پایان نامه را تشکیل می‌دهد. بعد از این مقدمات و کلیات، بخش دوم پایان نامه به زندگی‌نامه ابراهیم ناجی و آثار و تألیفات او همراه با نگاهی کوتاه به اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مصر در آن عصر اختصاص یافته است و در پایان نیز آثار و تألیفات شاعر با اشاره به دیوان‌های شعری مورد بررسی قرار گرفته و در بخشی مجزا، ویژگی‌های شعری شاعر نیز شرح و تفسیر داده شده است.

فصل سوم که آخرین و اصلی‌ترین قسمت پژوهش می‌باشد شامل بررسی مضامین مکتب رومانتیسم در آثار ابراهیم ناجی است. این فصل با بررسی گرایش رومانتیکی ناجی آغاز می‌شود و شرح زندگی ادبی شاعر در خلال چند مرحله از زندگانی او را در برمی‌گیرد و سپس به صورت مفصل و جامع، مضامین رومانتیسم در آثار منظوم ناجی را مورد بررسی قرار می‌دهد. لازم به یادآوری است که در این بخش، قصایدی از دیوان شاعر مورد بررسی قرار گرفته که مضامین رومانتیسم در آن‌ها تجلی بیشتری داشته است.

امید است این کوشش هر چند ناچیز توانسته باشد شمه‌ای از گنجینه‌ی ارزشمند شعر و ادب این ستاره تابناک آسمان ادب عرب را به شایستگی نمایان سازد و به عنوان فتح بایی بر پژوهش‌های گسترده‌تر آتی فرا روی ادب دوستان و شیفتگان عشق و حقیقت قرار بگیرد.

فصل اول

مفاهيم و کلیات

۱-۱- اصطلاح و تعریف

در تاریخ ادبیات غرب شاید هیچ کدام از مکتب‌های ادبی به اندازه مکتب رومانتیسم گسترده و دامنه‌دار نبوده است. وقتی از رومانتیسم بحث می‌شود، تصوّر همگان بیشتر معطوف به احساسات رقیق و غالباً عاشقانه‌ی دوران گذشته است، حال آن‌که این مکتب در طول تاریخ پیدایش و ادامه‌ی حیات خود، نه تنها ادبیات را در برمی‌گیرد بلکه تمام افکار، عقاید، ایده‌های اجتماعی-سیاسی، جنبش‌های مذهبی و حتی اعتقادی را هم شامل می‌شود. بدین ترتیب رومانتیسم نه تنها یک مکتب ادبی است، بلکه نوعی قیام و انقلابی اجتماعی-سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شود که پیامدهای آن هنوز هم گریبان‌گیر جوامع بشری است.^۱

صفت رومانتیک که از کلمه‌ی لاتینی قرون وسطایی «رومانتیکوس» گرفته شده بود، به تدریج از قرن هفده رواج یافت. ریشه‌ی این صفت، همان کلمه‌ی رمان است که اصل آن رومانو «Romano» یا رومی است که در صورت ابتدایی‌اش به داستانی اطلاق می‌شد که نه به زبان لاتینی، بلکه به زبان‌های عامیانه‌ی کشورهای مختلف اروپا، یا زبان‌های رومیایی و به گونه‌ای جدید نوشته شده باشد و نیز از قوانین و مقررات کلاسیک تبعیت نکند. در قرن هفده که اصل عقل در ادبیات معتبر بود، مدلول کلمه‌ی فوق را معادل مفاهیمی همچون «چیزی غریب»، «هوس‌بازانه» و «دروغ» به شمار می‌آوردند. اما نزدیک صد سال بعد که ذوق مردم تغییر یافت، این صفت برای نخستین بار در زبان و ادبیات انگلیسی و آلمانی اصطلاحی به مفهوم «بزرگداشت و تمجید یک منظره» مورد استفاده قرار گرفت که زیبایی و دل‌انگیزی آن را نشان می‌داد. یکی از منتقدان در دهه‌ی ۱۹۴۰م. میلادی بالغ بر یازده هزار تعریف در باب

^۱ - ثروت، منصور، آشنایی با مکتب‌های ادبی، ص ۴۹

رومانتیسم گردآوری کرده است که برای آشنایی بیشتر با دامنه‌ی تنوع و گستردگی تعاریف رومانتیسم به چند نمونه اشاره می‌شود؛ در میان هنرمندانی که در اواخر قرن هجده به مخالفت با اصول و آموزه‌های کلاسیک برخاستند، چهره‌ی ماندگار ادبیات جهان «گوته»^۱ درام‌نویس، ادیب و متفکر آلمانی است. اعتقاد وی بر این است که رومانتیسم بیماری است و کلاسیسم سلامتی. «روسو»^۲ نیز بر این باور است که رومانتیسم بازگشت به طبیعت است. و «واتر هاوز»^۳ معتقد است رومانتیسم کوششی برای فرار از واقعیت می‌باشد.^۴

در قرون وسطی کلمه‌ی رومانس «Romance» بر زبان‌های بومی و محلی تازه‌ای اطلاق می‌شد که از زبان لاتین مشتق شده بودند. با این نام‌گذاری، این زبان‌ها از زبان رسمی و علمی لاتین که در مکتب و مدرسه، آموخته می‌شد متمایز می‌شد. صفت رومانتیک «Romantic» در زبان انگلیسی برای نخستین بار در سال ۱۶۵۰م. و شکل فرانسوی «Romanesque» و آلمانی «Romanisch» آن در سال‌های ۱۶۶۱م. و ۱۶۶۳م. به کار برده شد. در آغاز، این صفت‌ها منسوب بودن به رمانس و رمان را می‌رسانده است؛ یعنی آثاری که به زبان‌های بومی تألیف می‌شد. آثاری که عمدتاً ماهیتی خیال‌انگیز و پراحساس داشتند و مبتنی بر ماجراهای پهلوانی یا عاشقانه و ماجراجویانه و آکنده از صحنه‌های پرشور، عواطف، حالات و پدیده‌های غیر واقع‌نمایانه بودند که خواننده نمی‌توانست احتمال وقوع آن‌ها را تصور کند. پدیده‌هایی که با دیدگاه عقلانی قرن هفدهم همگونی و تناسب چندانی نداشتند.

از همین روست که در این دوره کلمه‌ی «رومانتیک» بار معنایی منفی به خود گرفت و به مفاهیمی همچون اغراق‌آمیز بودن، مضحک بودن، خیالاتی بودن، کودکانه بودن و نامعقول بودن دلالت کرد. اما از نیمه‌ی دوم قرن هجده و همزمان با تحولات فکری و اجتماعی که به آهستگی روی می‌داد و همه‌ی عرصه‌های زندگی را در برمی‌گرفت، کلمه‌ی رومانتیک به تدریج ارزش و معنای مثبت پیدا نمود و این

^۱ - John wolfgang Goethe

^۲ - Jean jages Rousseau

^۳ - John William water house

^۴ - جعفری جزئی، مسعود، سیر رومانتیسم در اروپا، ص ۲۰

زمانی بود که اندک اندک عصر خرد جای خود را به عصر احساس می‌داد. در این دوره کلمه‌ی رومان‌تیک لذت‌ها و سرخوشی‌های بکر و اصیل گذشته‌های دور و قلمرو پاک طبیعت را تداعی می‌کرد.^۱ مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب رومان‌تیسیم طغیان در برابر همه‌ی سنت‌ها و قالب‌های ادبی، ایمان به انسانیت، اصالت انسان، آزادی شخص، عشق به طبیعت، علاقه به گذشته‌های دور و آنچه خارق‌العاده و غیر طبیعی است، آزادی مطلق احساسات و تمثیل، افسردگی، اعتقاد به جهان‌وطنی، خودستایی، نوع‌دوستی و فرار از واقعیات می‌باشد. قالب‌های عمده و متداول در خلال عصر رومان‌تیسیم شعر غنایی، نمایشنامه، رمان، داستان کوتاه، تاریخ و نقد ادبی است.^۲

«رومان‌تیسیم به جهان به عنوان وجودی جاودان و نامتناهی می‌نگرد و با تخیلات بی‌پایان و احساسات والا قصد بهبود جهان را دارد و از نظر اجتماعی، پیروان آن قراردادهای اجتماعی را زیر سؤال برده‌اند. برخی منتقدان آن را عالی‌ترین قله‌ی ادبی بعد از کلاسیک «شکسپیر» می‌دانند.»^۴

انسان رومان‌تیک شخصی است که همواره روحش با رؤیاها و اوهام به پرواز درمی‌آید، کسی که سینه‌اش مالا مال از جوش و خروش عشق است. عقلش از واقعیت مادی و حسی می‌گریزد و از ورای احساس و عشق، به خالق عظیم متصل می‌گردد.

بدین ترتیب مکتب ادبی رومان‌تیسیم به صورت مشخص در سال‌های بیستم و سی‌ام سده‌ی نوزده ابتدا در انگلستان ظاهر شد و به سرعت بیشتر کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان، ایتالیا و اسپانیا را درنوردید. عقیده‌ی بسیاری نیز بر آن است که این مکتب در انگلیس دیرتر و نزدیک به قرن هیجده ظاهر شد. به هر حال آنچه مسلم است اصطلاح رومان‌تیسیم به عنوان مکتب ادبی مابین سال‌های ۱۷۷۰ تا

^۱ - جعفری جزی، مسعود، سیر رومان‌تیسیم در اروپا، ص ۱۱-۱۰

^۲ - تراویک، باکتر، تاریخ ادبیات جهان، ص ۴۵۴

^۳ - William Shakspeare

^۴ - دیچز، دیوید، شیوه‌های نقد ادبی، ص ۴۹۰

۱۸۴۸م. پدیدار شد و اگر پیش از این ایام، این لفظ در زبان ادبیات استعمال می‌شد به عنوان مکتب مشخص شناخته شده نبود.^۱

رومانتیسم واکنشی در برابر کلاسیسم خردمحور بود. به گونه‌ای که برخی صاحب نظران آن را انقلاب ۱۷۸۹م. در ادبیات به شمار می‌آورند؛ همان‌گونه که انقلاب فرانسه نظام حکام را درهم شکست و ملت را آزاد کرد، رومانتیسم نیز برای آزادی نویسنده و شاعر از قیدو بند اصول کلاسیسم به پاخاست.^۲

اصول و برنامه‌ی کلی مکتب رومانتیسم در پنج مورد زیر خلاصه می‌شود:

۱- آزادی و آن چه که به هنرمند الهام می‌بخشد و معنی و مفهوم زندگی شمرده می‌شود عشق و علاقه است.

۲- توجه به «من» شخصی به جای نوع و تیپ کلی

۳- هیجان و احساسات

۴- گریز و سیاحت، آزرده‌گی از محیط و زمان موجود

۵- کشف و شهود، رومانتیسم نوعی درون‌بینی مبالغه‌آمیز است.^۳

۱-۲- پیدایش و رشد مکتب رومانتیسم در غرب

آغاز قرن نوزده را باید شروع جدیدی در ادبیات اروپا دانست که دامنه‌ی آن تا به امروز کشیده شده است. اضطراب‌ها و تکان‌های ناشی از انقلاب کبیر فرانسه به اغلب کشورهای اروپا سرایت کرد و نیروهای پنهان طبقه متفکر و روشنفکر را بیدار ساخت. مهاجرت‌هایی که روی داد ذوق و اندیشه‌های مختلف را درهم آمیخت. در این قرن انسان جدیدی به وجود آمد که طرز تفکرش به هیچ وجه به انسان قرن هفده شباهتی نداشت.^۴

^۱ - ثروت، منصور، آشنایی با مکتب‌های ادبی، ص ۵۲

^۲ - فرید، آمال، الرومانسیه فی الأدب الفرنسی، ص ۵

^۳ - سیّدحسینی، رضا، مکتب‌های ادبی، ص ۱۸۲-۱۷۹

^۴ - همان، ص ۱۷۶

«منصور ثروت» در کتاب «آشنایی با مکتب‌های ادبی»، عامل سوم و مهمی را نیز در پیدایش مکتب رومانتیسم دخیل می‌داند و آن انقلاب صنعتی است. این انقلاب زندگی انسان غربی را دگرگون کرد؛ این دگرگونی هم در عرصه‌ی اقتصاد و هم در عرصه‌ی فهم جدید از تمدن و تفسیر نوین از انسان، حتی علم بی‌تأثیر نبود. این تغییر جهت، هنرمند رومانتیسم را پس از انقلاب، منعکس‌کننده‌ی دید تازه‌ای از زندگی و جهان می‌کند و بالاتر از همه، تفسیری نو و بدیع درباره‌ی پندار آزادی هنری می‌آفریند.^۱

این دوره‌ی جدید که عصر طبقه‌ی بورژوازی شمرده می‌شود، عصری است که اشرافیت تمام نفوذ و اهمیت خود را از دست داده است. از لحاظ ادبی تأثیرات شگرفی در این عصر دیده می‌شود. دیگر، سالن‌های درخشان ادبی و فرهنگستان‌ها تأثیر زیادی در سرنوشت هنرمندان و آثار آنان نداشتند، روزنامه‌ها رواج بیشتری یافتند و نویسندگان و شاعران از طبقات مختلف مردم بودند. بدین ترتیب قلمرو تألیفات ادبی نیز وسعت یافت.^۲

دوران اوج مکتب رومانتیسم در فاصله‌ی میان دو جنگ جهانی است. اساس آن به طور کلی بر مبنای فلسفه‌ی عاطفی و بر پایه‌ی رویارویی با مکتب کلاسیسم در اواخر قرن هیجده و سپس نیمه‌ی اول قرن نوزده در اروپا بر ویرانه‌های آن استوار گردید.^۳

اگر بخواهیم از رومانتیسم به عنوان یک گرایش صرف یاد کنیم، باید گفت که این گرایش به عنوان یک پدیده یا عنصر فطری قدمت زیادی در تاریخ ادبیات جهان دارد چرا که هر شاعر یا نویسنده‌ای به اقتضای انسان بودنش تمایلات و حالات متفاوتی نسبت به دیگران دارد و چه بسا در هر دوره‌ای شاعران با توجه به روحیات نفسانی خویش آثاری را در مضامین مختلف اندوه، شادی، درد و رنج خلق کردند که

^۱ - ثروت، منصور، آشنایی با مکتب‌های ادبی، ص ۵۵-۵۴

^۲ - سیدحسینی، رضا، مکتب‌های ادبی ج ۲، ص ۱۷۶

^۳ - غنیمی هلال، محمد، ادبیات تطبیقی، ص ۶۳-۶۲

در تمامی این آثار به نوعی این گرایش نمود دارد. به گونه‌ای که «بوتروک»^۱ برای اشاره به آثار ادبی قرون وسطی اصطلاح رومانیتیک قدیم «Altromantise» را به کار برد.^۲

«استاندال»^۳ معتقد است که تمامی شاعران و نویسندگان حتی هنرمندان رومی در هر دوره‌ای که می‌زیستند به نوعی رومانیتیک بودند. چرا که آثارشان در نوع خود برای توده‌ی مردم آن عصر جذاب بوده است و تصویری واقعی از اجتماع را نشان می‌داد. وی با توجه به همین دیدگاه به تعریف رومانیتیک پرداخته و می‌گوید: «رومانیتیک هنری است که آثار ادبی مناسبی را در اختیار مردم می‌نهد تا بیشترین لذت ممکن را به دست آورند و این آثار توجه شایسته‌ای به عادات و عقاید مرسوم زمانه دارند ولی کلاسیسم ادبیاتی را به مردم ارائه می‌دهد که بیشترین لذت ممکن را برای نیاکان و پیشینیان آن‌ها فراهم می‌آورده است.»^۴

پیامد فلسفه‌ی عاطفی و رسالت ادبیات رومانیتیک در بیان خواسته‌های طبقه‌ی متوسط این شد که اعتماد به فرد و حمایت از حقوق وی در برابر جامعه، در ادبیات این دوره جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد و در نتیجه نوعی همکاری نوین میان فرد و جامعه پدید آید که هدف از آن محدود کردن امتیازات طبقه‌ی اشراف و هموار ساختن زمینه‌ی انقراض آنان بود. موضوع رمان‌ها و نمایشنامه‌ها و اشعار غنایی همه رنگ مردمی یافت. قهرمانان از میان توده‌ی مردم و یا از میان مردم بی‌اهمیت با خصلت‌های فطری نیالوده انتخاب شدند.

همچنین عصر رومانیتیک دوره‌ی بالندگی ناسیونالیسم و میهن‌پرستی در غرب بود. پیروان این مکتب در بزرگداشت افتخارات و جانبازی‌های پدران در راه آزادی تلاش می‌کردند و آن‌ها را در رمان‌ها

^۱ - Friedrich Bouterwek

^۲ - ولک، رنه، مجموعه مقالات، ص ۸۴

^۳ - Stendhal

^۴ - غنیمی هلال، محمد، ادبیات تطبیقی، ص ۴۹۴

و نمایشنامه‌هایشان منعکس می‌ساختند و پیوسته می‌کوشیدند تا در داستان‌ها، شعرها و نمایشنامه‌های خود حال و هوای عصر خود را منعکس سازند.^۱

شاید برجسته‌ترین ویژگی‌ای که رومان‌تیسیم را در میان مکتب‌های ادبی دیگر ممتاز می‌ساخت، این بود که شاعران این مکتب عظمت و بزرگی درد انسان را سرمشق سروده‌های خود قرار دادند و این همان چیزی است که «آلفردوینی»^۲ از آن چنین تعبیر می‌کند: «من جلال و عظمت درد بشری را دوست دارم.»^۳ این گرایش به طور عام بر بیشتر شاعران این مکتب غلبه یافت، به‌طوری‌که می‌توان آن را یک ویژگی ممتاز برای شعر آنان قرار داد.

از عوامل رشد رومان‌تیسیم مسافرت ادبا و شعرا و به دنبال آن ارتباط با ادبیات کشورهای مختلف از جمله آلمان و انگلیس بود که این امر نیز از دستاوردهای انقلاب فرانسه بود. بیشترین نمود این هجرت‌ها به وضوح در سال ۱۸۳۰م. بعد از بازگشت «لامارتین»^۴ و «ویکتور هوگو»^۵ از برخی کشورهای اروپایی دیده می‌شود. این دو ادیب اساس و مبادی رومان‌تیسیم را از کشورهای آلمان، انگلیس و اسپانیا گرفته و وارد ادبیات فرانسه کردند.

نفوذ و تأثیر جنبش رومان‌تیسیم بیانگر یک بازنگری اساسی و جهت‌گیری کاملاً تازه در زیبایی‌شناسی ادبی است و همین امر الهام‌بخش نشاط، پویایی و تجدد حیاتی حیرت‌انگیز در آثار این دوره است. رومان‌تیسیم جنبشی بسیار غنی و پربار است که بسیاری از عالی‌ترین آثار ادبی اروپا را آفریده است و دیدگاه‌های نظری و شیوه‌های عملی آن، هنوز جالب و هیجان‌انگیز است و از اهمیتی بسیار عظیم برخوردار است. با وجود این که رومان‌تیسیم به عنوان یک مکتب، در نوع خود قید و بند را در هنر رد می‌کند و علیه قیودی که مانع آزادی حرکت شاعران قدیم شده است، می‌شورد، ولی خود دارای معیارها و

^۱ - همان، ص ۴۹۵

^۲ - Alfred de vigny

^۳ - شرف، عبدالعزیز، الوحدة و التنوع فی الأدب العربی المعاصر، ص ۲۲۷

^۴ - Alphonse de Lamartine

^۵ - Victor marie Hugo

قوانین خاص و مفاهیم معینی است که به نشان مشخصی همچون درد زمانه، نشان قومی - محلی، ابداع و ابتکار و به کارگیری آهنگ خطابی به ویژه در شعر رومانیتیک عربی ممتاز می‌گردد.^۱

احساس، محبت و دل سه عنصری هستند که در دوره‌ی شکوفایی رومانتیسم پسندیده بودند. همچنان که عقل در دوره‌ی کلاسیک مورد ستایش بود. در مکتب رومانتیسم عاطفه، پیوسته عکس‌العملی در مقابل عقل بود.^۲

به دنبال انقلاب فرانسه حوادث و تحولات زیادی در اروپا صورت گرفت به گونه‌ای که با ظهور و بنیان رومانتیسم بر ویرانه‌های مکتب عقل‌گرا و خرد محور کلاسیسم تغییرات چشمگیری در اوضاع اجتماعی و ادبی کشورهای اروپایی یکی پس از دیگری ایجاد گردید. این حرکت جدید از عوامل سیاسی و اجتماعی زیادی تأثیر پذیرفت و نوعی عکس‌العمل و واکنش تند در مقابل مکتب اصول‌گرای کلاسیسم بود. به دنبال احساس یأس، درد و رنج حاصل از انقلاب فرانسه پیروان رومانتیسم عنصر عاطفه را وارد آثار خود نمودند و در بیان آلام و رنج‌های بشری و دردهای جامعه راه مبالغه پیمودند و نتیجه‌ی این مبالغه‌ها و اغراق‌ها، سرودن اشعاری در مضمون غنایی بود، مضمونی که منتقدان، این نوع ادبی را گل سر سبد و بزرگترین دستاورد جنبش رومانیتیک به شمار می‌آورند. اما این سخن به این معنی نیست که در عصر رومانیتیک، انواع دیگر ادبی رشد نکرد بلکه در این دوره اشعار حماسی و نمایشنامه هم دیده می‌شود. اما در زمینه شعر غنایی بیشترین کامیابی نصیب آن‌ها شده است. تا جایی که عنصر غنا در سایر انواع ادبی رومانتیست‌ها هم دیده می‌شود.^۳ بنابراین رومانتیسم به عنوان یک جنبش و حرکت ادبی علاوه بر این‌که راه دست یافتن به حقوق انسانی را فراهم ساخت و زمینه ساز انقلاب‌های مردمی شد، اولین گام در راه رشد مکتب‌های ادبی گوناگون در مراحل بعدی بود.

^۱ - ابوشباب، واصف، القديم و الجديد في الشعر العربي الحديث، ص ۱۹۶

^۲ - فورستر، اشراف، ثلاثة قرون من الأدب، ص ۱۳۰

^۳ - www.aladab.com

«مادام دوستال»^۱ ادیب مشهور فرانسوی، رومانتیسم را یک حرکت با جرأتی می‌داند که توانست قید و بندهای کلاسیسم را از هم بگسلد. پیروان آن، رهایی را در گذشته، آینده و یا نقاط و سرزمین‌های دوردست و زمان‌ها و مکان‌های دست‌نیافتنی می‌جستند. به اعتقاد آنان، آزادی را نه در زندگی زمینی و واقعی بلکه در رؤیا و خیال باید جستجو کرد و چه بسا به همین خاطر از اجتماع و ارزش‌های رایج در آن فاصله می‌گرفتند و به الهام از ماورای طبیعت توسل می‌جستند.^۲

در پایان می‌بایست ناگفته نگذاشت که اگرچه این جنبش دیرگاهی درخشیدن گرفت و ستارگان پرفروغی همچون «هوگو»، «گوته» و «بایرون»^۳ بر سینه‌ی آن خودنمایی کردند ولی سرانجام با آزادی بی‌بند و بار خود و ظهور جنبش‌های دیگری همچون سمبولیسم^۴ و سوررئالیسم^۵ این مکتب، به خصوص در ادبیات، با پدید آمدن رمان‌های عشقی بی‌ارزش به تباهی کشیده شد.

اگرچه نهضت رومانتیسم به معنی دقیق کلمه پیش از پایان نیمه‌ی اول قرن نوزده توان و نیروی اصلی خود را از دست داد و مکاتب دیگری جای آن را گرفتند، اما اندیشه‌ها و شیوه‌های منسوب به این نهضت هرگز منسوخ نشده و از بین نرفتند هرچند نام دیگری به آن داده شود.

رومانتیسم عرصه‌ی وسیعی را برای جولان ذوق شاعر می‌گشاید و عقل و خرد را به مسلخ احساس می‌کشاند به گونه‌ای که شاعر یا نویسنده‌ی رومانتیسم به راحتی درونیات خود، رؤیاها، عشق، نفرت و افکار فلسفی-سیاسی و اجتماعی خویش را بیان می‌کند. بنابراین شاعر رومانتیست واقعی، دیگر خیال‌بافی بس نازک‌دل نبود بلکه قهرمانی بود که پنجه در پنجه واقعیات دردناک می‌انداخت و مظهری از نبوغ بود.^۶

^۱ - Madame de stael

^۲ - حیدریان، محسن، سرآمدان اندیشه و ادبیات از دوران باستان تا آغاز قرن بیست، ص ۳۰۰

^۳ - Georg gordon Byron

^۴ - سمبولیسم یا نمادگرایی مکتبی ادبی-هنری است که در اوایل قرن بیستم در اروپا رواج یافت.

^۵ - سوررئالیسم یا فراواقع‌گرایی یکی از مکتب‌های ادبی-هنری است که در فواصل دو جنگ جهانی در اروپا شکل گرفت.

^۶ - هیث، دانکن، قدم اول رومانتیسم، ص ۸